

بررسی رابطه‌ی سبک‌های عشق‌ورزی با سازگاری زناشویی (مورد مطالعه: زنان شاغل شهر کرمان)

سوده مقصودی*، طاهره بازمانده**، سیدمحمد حسین موسوی نسب***

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی سبک‌های عشق‌ورزی با سازگاری زناشویی در بین کارکنان زن شاغل در ادارات دولتی شهر کرمان انجام شد. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل کلیه‌ی زنان شاغل و متأهل به تعداد ۲۱۴۷ نفر بود که تعداد ۳۲۷ نفر به عنوان نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده انتخاب شدند. سپس اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد عشق‌ورزی و سازگاری زناشویی جمع‌آوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و بهره‌گیری از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج نشان داد، بین عشق‌ورزی با سازگاری زناشویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین متغیر عشق‌ورزی می‌تواند مقدار ۶۵ درصد از واریانس متغیر سازگاری زناشویی را تبیین کند. از سوی دیگر، بین متغیرهای دموگرافیک (متغیرهای تعداد فرزند و تحصیلات همسر) با سازگاری زناشویی رابطه‌ی معناداری مشاهده شد. بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود، برای افزایش سازگاری زناشویی در زنان به‌ویژه زنان شاغل، مردان بایستی به متغیر عشق‌ورزی توجه ویژه‌ای کنند.

واژگان کلیدی

عشق‌ورزی، سازگاری زناشویی، زنان شاغل، ادارات دولتی.

*. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده‌ی مسئول)
(smaghsoodi@uk.ac.ir)

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
(btahareh@yahoo.com)

*** دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
(hossein.mousavi-nasab@uk.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

۱. مقدمه و بیان مسئله

ازدواج^۱ عملی است که پیوند بین دو جنس مخالف را بر پایه‌ی روابط پایای جنسی موجب می‌شود. ازدواج مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که موجب مشروعیت روابط جسمانی می‌شود. کلودلوی اشتروس^۲ معتقد است که ازدواج «برخوردی دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت یا میان قواعد اجتماعی و کشش جنسی است» (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۲۵). پایداری ازدواج بخش بسیار مهمی از حیات فردی و اجتماعی هر فرد را دربرمی‌گیرد و هدف از شکل‌دهی آن متناسب با بافت فرهنگ اسلامی رسیدن به آرامش، مودت و رحمت برای زن و مرد است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۴).

آنتونی گیدنز^۳ ازدواج را چنین تعریف می‌کند: «پیوند جنسی دو فرد بزرگسال است که به صورت اجتماعی تأیید و به رسمیت شناخته می‌شود. وقتی دو نفر با هم ازدواج می‌کنند، خویشاوند یکدیگر می‌شوند» (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۵۲). واقعیت این است که زندگی زناشویی همیشه در معرض خطر است و مشکلاتی مانند نارضایتی زناشویی، اعتیاد همسر، روابط خارج از چارچوب خانواده، مشکلات مالی، عدم تفاهم زوجین، دخالت خانواده‌ها و... آن را تهدید می‌کند. گاهی این مشکلات چنان پیچیده می‌شوند که چاره‌ای جز طلاق باقی نمی‌ماند (درویش‌زاده و پاشا، ۱۳۸۹: ۶). یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی پویایی‌های روابط زناشویی وجود عشق و کیفیت آن است (حفاظی طرهبه و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

عشق یک حالت روان‌شناختی است که روان‌شناسان اجتماعی طی سه دهه‌ی اخیر بدان توجه ویژه کرده‌اند و تحقیقات علمی متعددی درباره‌ی تأثیر آن در زندگی انسان انجام شده است. روان‌شناسان عشق را یک هیجان اساسی و مثبت معرفی می‌کنند. به عقیده‌ی روان‌شناسان فرهنگی درباره‌ی مفهوم عشق تفاوت‌های فرهنگی نیز وجود دارد و حتی معنای عشق از یک زمان به زمانی دیگر نیز متفاوت است؛ فروید سلامت روان‌شناختی را به طور خلاصه توانایی عشق ورزیدن و کارکردن تعریف می‌کند (رفیعی‌نیا و اصغری، ۱۳۸۶: ۴۹۲).

کپهارت^۴ از هزار دانشجوی مجرد سؤال کرد، آیا حاضر هستید با شخصی ازدواج کنید که تمام خصوصیات مطلوب مورد نظر شما را داشته باشد درحالی‌که عاشق او نباشید؟ ۶۵ درصد مردان و

1. Marriage
2. Strauss
3. Giddens
4. Cephart (1967)

۲۴ درصد زنان پاسخ داده‌اند که هرگز حاضر به ازدواج با چنین فردی نمی‌باشند. زمانی که همین سؤال از مردان و زنانی که فردی را به عنوان نامزد انتخاب کرده بودند پرسیدند، ۸۰ تا ۹۰ درصد حاضر به ازدواج با چنین فردی نبودند. اسپرچر^۱ در پژوهش خود دریافت که عشق یکی از مؤلفه‌های لازم برای ازدواج است. استرنبرگ^۲ از کسانی است که راجع به عشق نظریه‌پردازی کرده است. وی براساس یک پژوهش دریافت که عشق یک حالت روان‌شناختی است که سه بعد صمیمیت^۳، شوریدگی^۴ و تعهد^۵ دارد. پژوهشگران رضایت از زندگی زناشویی و شادمانی را بررسی و میزان آن را در مراحل مختلف مقایسه کردند. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد، رضایت، شادمانی و سازگاری زناشویی^۶ در ابتدای ازدواج بالاست و در دورانی که بچه‌ها به مدرسه می‌روند کاهش و بعد از آن دوباره افزایش می‌یابد، به این ترتیب سیر آن به شکل U است (فرحبخش و شفیع آبادی، ۱۳۸۵: ۲). شناخت عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی به منظور افزایش بقاء و آرامش زوجین می‌تواند برای همه سودمند باشد؛ چراکه محققین سازگاری زناشویی را عامل حفظ نظام و تقویت حیات روانی خانواده دانسته‌اند. براساس نتایج تحقیقات، سازگاری زناشویی مثبت با سلامت جسمی و روانی و رضایت‌مندی و ارتباط مؤثر بین زوجین در رابطه است.

بررسی مسئله‌ی سازگاری زناشویی از لحاظ بعد فردی و اجتماعی امری مهم است. در بعد فردی، این مسئله مهم است؛ چرا که اگر یک زوج در روابطشان با یکدیگر نتوانند به یک توافق نسبی و سازگاری برسند، کارکردهای خانواده مختل می‌شود و شاید تنها راه حل آن جدایی باشد که پیامدهای منفی بسیاری برای هریک از زوجین و فرزندان آنها در پی خواهد داشت. از لحاظ اجتماعی، اگر خانواده - که کوچک‌ترین واحد اجتماعی است - آسیب ببیند، در کل جامعه تأثیر می‌گذارد و سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد (معین و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

با توجه به آنچه بیان شد، اگرچه ازدواج پیوند بسیار خوشایندی است، آمارها نشان می‌دهند که سازگاری و کسب رضایت زوجین به راحتی به دست نمی‌آید؛ بنابراین یکی از نکات اساسی در بحث ازدواج مسئله‌ی سازگاری و رضایت زناشویی زوجین بوده که نقش محوری در ثبات و استحکام خانواده دارد.

1. Spercher (2005)
2. Sternberg (1968)
3. Intimacy
4. passion
5. Commitment
6. Marital adjustment

۲. پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی عشق‌ورزی و سازگاری زناشویی پژوهش‌های اندکی در ایران و خارج از آن وجود دارد. بنابراین در این مجال پژوهش‌هایی که به نوعی با این موضوع مربوط است، معرفی می‌شوند. درباره‌ی نقش عشق‌ورزی در سازگاری زناشویی اسپرچر و تورومرن^۱ در پژوهش خود مشاهده کردند که از نظر مردان و زنان چینی، آمریکایی و سایر نژادهای دیگر عشق برای ازدواج امری لازم و ضروری است. ماس و اسکوبل عقیده دارند که میزان محبتی که افراد در زندگی خود تجربه می‌کنند بستگی به رشد اجتماعی، سازگاری شخصی و سلامت جسمی دارد و عشق نقش کاربردی در لذت بردن و رضایت از زندگی زناشویی ایفا می‌کند (Moss & Schwelel, 1993: 31-37). وایت در مطالعات خود بر روی ازدواج‌ها نشان داد، افراد متأهل سازگار بیشتر عمر می‌کنند، درآمد بالا دارند، ثروتمند هستند، در رفتارهای خطرناک کمتر درگیر می‌شوند، تغذیه‌ی سالم دارند و در مقایسه با افراد ناسازگار کمتر به مشکلات روان‌شناختی مبتلا می‌شوند (White, 1997). نتایج مطالعات کومبس^۲ نشان داد، افراد متأهلی که زندگی‌شان پایدار بوده و استحکام بیشتری داشته، عموماً عمر طولانی دارند، بیشتر عاطفی هستند، از نظر جسمانی سالم‌ترند، شاد هستند و بیشتر احتمال دارد که از سرطان نجات یابند (Coombs, 1991: 97-102).

همچنین یوسفی و همکاران تحقیقی با عنوان «رابطه‌ی سبک‌های عشق‌ورزی و کیفیت زندگی زناشویی در میان افراد متأهل» انجام داد؛ نتایج این پژوهش با استفاده از مدل تحلیل مسیر نشان داد که سبک‌های عشق‌ورزی دوستانه، رمانتیک و واقع‌گرایانه با رضایت زناشویی، انسجام زناشویی و توافق زناشویی رابطه‌ی مثبت و سبک‌های عشق‌ورزی شهوانی، بازیگرانه و فداکارانه با رضایت زناشویی، انسجام زناشویی و توافق زناشویی رابطه‌ی منفی دارند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰). سیف‌علیان تحقیقی با عنوان «بررسی سازگاری/ناسازگاری زناشویی اساتید دانشگاه‌های شهر سمنان و عوامل مؤثر بر آن» را انجام داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین فاصله‌ی سنی و درآمد با سازگاری زناشویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد، اما بین سن، جنس، تحصیلات، مدت ازدواج و تعداد فرزندان با سازگاری زناشویی رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد. همچنین نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل‌های چند متغیره رگرسیونی نشانگر این است که بین گستردگی و عمق روابط بین زوجین و نیز منفعت رابطه با سازگاری زناشویی ارتباط مستقیم وجود دارد، اما

1. Tvrvmoren

2. Coombs

ارتباط بین گستردگی و عمق روابط برون‌گروهی زوجین با سازگاری زناشویی ارتباط غیرمستقیم است (سیف‌علیان، ۱۳۹۰). فرحبخش و شفیع‌آبادی ابعاد عشق‌ورزی براساس نظریه‌ی سه بعدی عشق در چهار گروه زوج‌های در مرحله‌ی نامزدی، عقد، ازدواج و فرزنددار را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بین میزان عشق‌ورزی در مراحل مختلف زندگی زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد. به‌علاوه بین جنسیت آزمودنی‌ها و مراحل تحول زندگی زناشویی در عشق‌ورزی تعامل وجود دارد. همچنین مشاهده شد که بین میزان عشق‌ورزی زن و شوهر همبستگی معنادار وجود دارد (فرحبخش و شفیع‌آبادی، ۱۳۸۵). صدق‌آمیز در تحقیق خود عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز را بررسی کرد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دوسطح دومتغیره و چندمتغیره انجام شده و نتایج بدین شرح بوده است: در تجزیه و تحلیل دومتغیره، متغیرهای سن زن، سن شوهر، سن زن هنگام ازدواج، تعداد فرزند، تفاوت سنی زوجین، تحصیلات مرد، تحصیلات زن، منزلت شغلی مرد، اشتغال زن، محل تولد زوجین، ازدواج مجدد زوجین، نحوه‌ی آشنایی با همسر و نسبت خویشاوندی با متغیر وابسته (سازگاری زناشویی) رابطه‌ی معناداری داشتند. در تجزیه و تحلیل چندمتغیره که با استفاده از رگرسیون گام به گام انجام شد، متغیرهای تحصیلات مرد، تعداد فرزند، منزلت شغلی مرد و تفاوت سنی زوجین رابطه‌ی معنی‌دار داشته و همگی ۲۸ درصد از تغییرات سازگاری زناشویی را نشان می‌دهد (صدق‌آمیز، ۱۳۷۶).

برخلاف اینکه برخی از پژوهش‌های خارجی نشان داده‌اند که عشق‌ورزی می‌تواند در سازگاری زناشویی تأثیر بسزایی داشته باشد، هنوز پژوهش مدونی در این باره انجام نشده است. همچنین در داخل کشور به این دو متغیر و تأثیرشان در یکدیگر توجه چندانی نشده است و سؤالات زیادی درباره‌ی آنها وجود دارد که جواب داده نشده است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

عشق به عنوان یک احساس مثبت معمولاً نقطه‌ی مقابل تنفر قرار می‌گیرد و در صورتی که در آن عامل میل جنسی کم‌رنگ باشد و یک شکل خالص و محض رابطه‌ی رمانتیک را متضمن باشد با کلمه‌ی شهوت قیاس‌کردنی است. اگر عشق یک رابطه بین فرد و دیگر افراد را توصیف کند که در آن ززمه‌های زمانتیک زیادی وجود دارد، در مقابل دوستی و رفاقت قرار می‌گیرد، با این‌وجود در برخی از تعریف‌ها عشق بر وجود رابطه‌ی دوستانه بین دو نفر در بافت‌های خاص تأکید دارد. از دیدگاه روان‌شناسی عشق عبارت است از یکی از عواطف که مرکب از تمایلات جسمانی،

حس جمال، حس اجتماعی، تعجب، عزت نفس و... علاقه‌ی بسیار شدید و غالباً نامعقولی است که گاهی باعث هیجانات کدورت انگیز می‌شود و یکی از مظاهر مختلف تمایل اجتماعی است که اغلب جزء شهوات به شمار می‌آید (بینوا، ۱۳۹۳).

استرنبرگ (۱۹۸۷) در نظریه‌ی مثلثی عشق خود، عشق را متشکل از سه مؤلفه‌ی صمیمیت، میل یا شهوت و تعهد می‌داند؛ صمیمیت عبارت است از احساس محبت و اظهار آن، علاقه، مراقبت، مسئولیت، همدلی و غمخواری نسبت به فردی که او را دوست دارد. صمیمیت جنبه‌ی هیجانی و عاطفی دارد و نوعی احساس گرمی، محبت، نزدیکی، مرتبط بودن و در قیدوبند طرف مقابل بودن در فرد ایجاد می‌کند. شهوت احساس جذابیت فیزیکی همراه با کنش فیزیولوژی، جذابیت جنسی و اشتغال ذهنی مثبت به معشوق است. این بعد جنبه‌ی انگیزشی دارد و میل شدید همراه با برانگیختگی فیزیولوژی توأم با میل به رابطه‌ی جنسی عذوق‌ورزانه در فرد ایجاد می‌کند. تعهد شامل تصمیم‌های خودآگاهانه و غیرخودآگاهانه‌ای است که فرد برای دوست داشتن دیگری اتخاذ و خود را متعهد به حفظ آن می‌کند. این حالت جنبه‌ی شناختی دارد و دربردارنده تصمیم کوتاه‌مدت و بلندمدت برای دوست داشتن و مراقبت متعهدانه از معشوق است (حاجلو و همکاران، ۱۳۹۲). از نظر استرنبرگ، ترکیب متفاوت این سه مؤلفه، هفت نوع عشق (عشق رمانتیک، عشق پوچ، عشق شراکتی، عشق کور، شیدایی، دوست داشتن و عشق کامل) را به وجود می‌آورد. او معتقد بود که اگر تعادل این سه عامل به هم بخورد، مفهوم جدیدی از عشق به وجود می‌آید که با مفهوم عشق کامل تفاوت دارد. اگر عشق با تعهد و صمیمیت و فقدان شور و اشتیاق باشد، این رابطه در خطر فروپاشی قرار ندارد، اما نیازمند خلاقیت و انگیزه برای شعله‌ور کردن مجدد عشق است. این نوع عشق را «عشق مشفقانه» می‌گویند. تعهدی که با شور و اشتیاق و فقدان صمیمیت همراه شود، رابطه‌ای عذاب‌آور است. گاهی اوقات انگیزه‌ی شدیدی آنها را جذب یکدیگر می‌کند، اما سرانجام به یأس و ناکامی منجر می‌شود، زیرا قادر به عمیق‌تر کردن رابطه‌شان یا شناسایی افکار، علایق و آرزوهای قلبی یکدیگر نیستند. به این نوع «عشق کورکورانه» گویند. صمیمیتی که شور و اشتیاق و بی‌تعهدی دارد، رابطه‌ای یک شبه است که کشش و اشتیاق شدیدی در آن حکم فرماست، اما ناامنی از آنکه رابطه تا چه مدت دوام خواهد آورد هر دو فرد را می‌یوس می‌کند و به آن «عشق رمانتیک» می‌گویند. اگر صمیمیت با شور و اشتیاق و تعهد همراه نباشد در چنین رابطه‌ای تعهد و جاذبه‌های جنسی وجود ندارد و رابطه فقط براساس مهر و دوستی بین دو طرف است؛ بنابراین چنین رابطه‌ای برای زن و شوهر معنا ندارد. این نوع رابطه و عشق را «عشق دوستانه» می‌گویند. اگر شور و اشتیاق و نبود صمیمیت و تعهد با هم همراه شوند، این نوع عشق،

عشق «شیدایی» و رابطه‌ای بی‌پایه و پوچ است و سریع از بین می‌رود. تعهدی که صمیمیت و شور و اشتیاق ندارد، «عشق تو خالی و راکد» نام دارد. در این نوع عشق، مرد یا زن علاقه‌ای به یکدیگر ندارند و فقط به خاطر احساس مسئولیتی که نسبت به زندگی خود دارند به رابطه‌ی خود ادامه می‌دهند، ولی نسبت به همدیگر سردمزاج و بی‌تفاوت‌اند. عشق کامل، حالتی است که فرد همسر خود را به عنوان یک انسان دوست داشته و به او احترام می‌گذارد، به او متعهد است و از طریق برقراری ارتباط درست با او احساس نزدیکی می‌کند، رفتار دوستانه، رفاقت‌آمیز، محبت‌آمیز و مراقبت‌آمیز خواهد داشت. روابط جنسی همراه با تعهد به وفاداری و اوج لذت بدون احساس گناه تجربه می‌شود. در اینجا عشق تمام ویژگی‌های (شور و اشتیاق + صمیمیت + تعهد) لازم را دارد (فرحبخش و شفیع‌آبادی، ۱۳۸۵: ۵).

سازگاری عبارت است از رفتار مفید و مؤثر آدمی در تطابق با محیط فیزیکی و روانی به‌صورتی که تنها با تغییرات محیط هم‌رنگی نکرده و به پیروی ناهشیار از آن بسنده نمی‌کند، بلکه می‌تواند در محیط تأثیر گذاشته و آن را به‌گونه‌ای مناسب تغییر دهد (مسموعی، ۱۳۹۰: ۳۱). سازگاری زناشویی یکی از مفاهیمی است که در مطالعات خانواده بسیار استفاده می‌شود. سازگاری زناشویی مفهومی چندبعدی است که سطوح چندگانه‌ی ازدواج را روشن می‌کند و فرایندی است که در طول زندگی زوجین شکل می‌گیرد. لازمی آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت صفات شخص، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مروده‌ای است. در مجموع، سازگاری زناشویی یک فرایند تکاملی بین زن و شوهر است. بنابراین یکی از مهم‌ترین فاکتورها در تعیین ثبات و تداوم زندگی زناشویی است. مطالعات نشان می‌دهد، سازگاری زناشویی با سلامتی زوجها در ابعاد کیفیت خواب، افسردگی، استرس و رضایت از زندگی، رضایت زناشویی، کیفیت زندگی، عملکرد خانواده و رابطه‌ی والد-فرزندی رابطه‌ی معناداری دارد. همچنین موفقیت زندگی زوجین وابسته به موفقیت آنها در سازگاری با یکدیگر بوده و ناسازگاری در بین زوجین باعث تعارض و تنش می‌شود (علمی و یزدانی، ۱۳۸۹: ۵۸). به نظر کاتریل^۱ سازگاری زناشویی فرایندی است که شریک‌های متأهل تلاش می‌کنند، سیستم‌های ارتباطی خاص یا موقعیتی که در خانواده‌ی قبلی‌شان کسب کرده‌اند را مجدداً احیاء کنند (علمی و یزدانی، ۱۳۸۹: ۵۹). سازگاری زناشویی فرایندی است که به وسیله‌ی موارد زیر تعیین می‌شود: تفاوت‌های پردردسر دوتایی، تنش‌های بین فردی و اضطراب شخصی، رضایت دوتایی، همبستگی دوتایی و توافق کلی دوتایی روی شیوه‌های مهم عملکرد (Spanier, 1976: 15-28).

از نظر راجرز^۱، سازگاری در ازدواج شامل احساس شادمانی، رضایت و ارضای نیازهایی است که طرفینی برآورده می‌شوند. وی این مفهوم از ازدواج را پایه‌ی بسیاری از ازدواج‌ها می‌داند. به نظر او برای بعضی ازدواج یک جعبه‌ی رمانتیک، یک حصار محدودکننده‌ی آزادی، صندوق راحتی، جعبه‌ی جادویی و حل‌کننده‌ی مشکلات ارتباطی و برای بعضی دیگر فعالیتی مهیج، شیوه‌ی زندگی جدید، به‌دست آوردن استقلال و آزادی و تشویق برای رشد کامل استعدادها تلقی می‌شود. زوجین سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با همدیگر دارند، از نوع و سطح روابطشان راضی‌اند، نوع و کیفیت گذران اوقات فراغت برایشان لذت‌بخش است و وقت و مسائل مالی‌شان را خوب مدیریت می‌کنند (بینوا، ۱۳۹۳). اسچوماچر و لئونارد^۲ خصوصیات زوجین سازگار را به شرح زیر بیان می‌کنند:

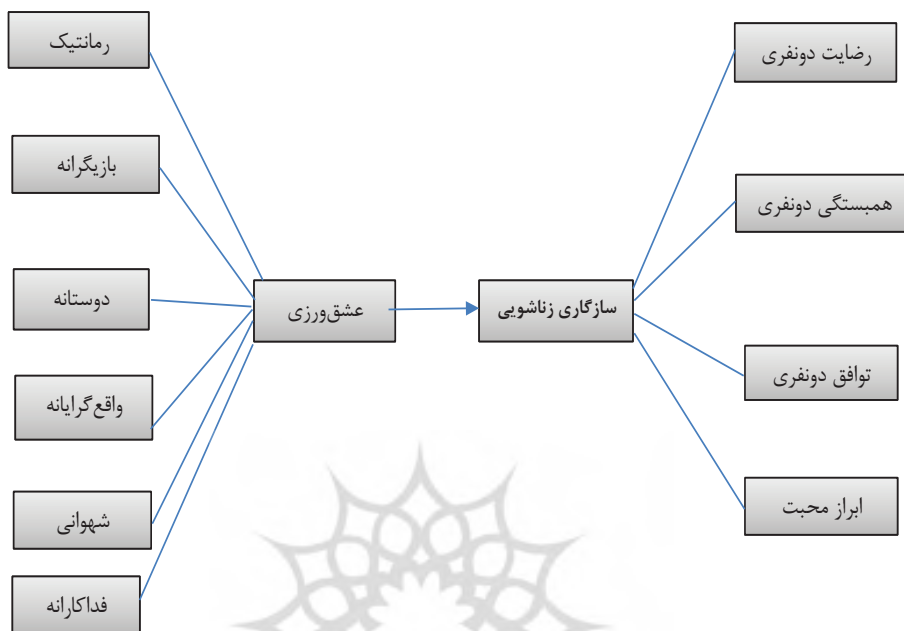
۱. زن و شوهر با رابطه‌ای که دارند خود را خوشبخت می‌دانند.
۲. نیازهای جسمانی و عاطفی کامل ارضاء می‌شود.
۳. هریک از همسران زندگی همسرش را بارور می‌کند.
۴. محیط زناشویی، شخصیت هر کدام از زن و شوهر را ارزشمند می‌کند و به هریک امکان می‌دهد و کمک می‌کند که به عنوان یک شخص، استعدادهای ذاتی خود را شکوفا کند و تحقق بخشد.
۵. پشتیبانی متقابل دارند، هریک از زن و شوهر «من» دیگری را تهدید نمی‌کند و از بودن با همدیگر احساس آرامش می‌کنند.
۶. نسبت به هم درک متقابل دارند.
۷. رابطه‌ی زن و شوهر به شکل‌های زیر منعکس می‌شود: مراقبت، توجه به رفاه و خوشبختی یکدیگر، احترام متقابل، احساس مسئولیت اختیاری (نه اجباری) نسبت به نیازهای یکدیگر (مسموعی، ۱۳۹۰: ۳۷).

اسپانیر مطالعات اساسی سازگاری زناشویی را از دهه‌ی ۱۹۲۰ تا دهه‌ی ۱۹۷۰ مرور کرد. در بررسی تعاریف قبلی از سازگاری زناشویی، وی یک تعریف عملیاتی و ابزاری برای اندازه‌گیری سازگاری زناشویی پیشنهاد کرد. اسپانیر دریافت که سازگاری زناشویی یک فرایند دائم‌التغییر با یک بعد کیفی است که می‌تواند در هر نقطه‌ای از زمان روی یک طیف از «کاملاً سازگار تا ناسازگار» ارزیابی شود. او تعریف را به زوج‌هایی که بدون اجازه‌نامه‌ی رسمی با هم زندگی می‌کردند نیز

1. Rogers 2002

2. Schumacher & Leonard (2005)

گسترش داد. سازگاری زناشویی فرایندی است که به‌وسیله‌ی موارد زیر تعیین می‌شود: (۱) رضایت دونفری، (۲) همبستگی دونفری، (۳) توافق دونفری، (۴) ابراز محبت (Spanier, 1976: 15-18).



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

در پژوهش حاضر، برای بررسی عشق، از رویکرد استرنبرگ به عشق و برای بررسی سازگاری زناشویی از رویکرد اسپانیر استفاده شد. فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل است:

- بین عشق‌ورزی با سازگاری زناشویی در زنان شاغل شهر کرمان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین عشق رمانتیک و سازگاری زناشویی در زنان شاغل رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین عشق بازیگرانه و سازگاری زناشویی در زنان شاغل رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین عشق دوستانه و سازگاری زناشویی در زنان شاغل رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین عشق واقع‌گرایانه و سازگاری زناشویی در زنان شاغل رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین عشق شهوانی و سازگاری زناشویی در زنان شاغل رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین عشق فداکارانه و سازگاری زناشویی در زنان شاغل رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

۴. روش پژوهش

این تحقیق به روش پیمایشی انجام شد. ابتدا، منابع موجود درباره‌ی موضوع پژوهش به روش اسنادی و بررسی متون جمع‌آوری شد، سپس چارچوب نظری تحقیق تهیه و متغیرها و شاخص‌ها بر اساس چارچوب نظری تبیین و اطلاعات موردنیاز با پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. به عبارت دیگر، پرسش‌نامه و مصاحبه تکنیک‌های به کار گرفته‌شده در این پژوهش بودند. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، زنان شاغل در سازمان‌های دولتی شهر کرمان بود. بر اساس آمار به دست آمده، کل زنان شاغل ادارات دولتی شهر کرمان ۲۱۴۷ نفر بودند که از این تعداد با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۷ نفر برای نمونه انتخاب شدند. شیوه‌ی نمونه‌گیری تحقیق نیز تصادفی طبقه‌بندی شده بود. یعنی در هر سازمان با توجه به تعداد کارکنان زن پرسش‌نامه‌ها بر اساس جدول اعداد تصادفی توزیع و اطلاعات زنان جمع‌آوری شد.

برای متغیر عشق‌ورزی از پرسش‌نامه‌ی استاندارد شده LAS استفاده شد. این پرسش‌نامه ۶ مؤلفه (عشق رمانتیک، بازی‌گرانه، دوستانه، واقع‌گرایانه، شهبانی و فداکارانه) دارد که به صورت طیف ۵ تایی از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود و در اعتبارسنجی و پایایی عشق‌ورزی که هندریک و هندریک آن را انجام دادند، آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ آمده است. در این پرسش‌نامه هرچه نمره بالاتر رود، میزان آن نوع عشق بیشتر می‌شود. برای متغیر سازگاری زناشویی نیز از پرسش‌نامه‌ی استاندارد شده‌ی اسپانیایی استفاده شد. این پرسش‌نامه ۴ مؤلفه (رضایت دونفری، همبستگی دونفری، توافق دونفری و ابراز محبت) دارد و به صورت طیف ۵ تایی از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری شده؛ هرچه نمره بالاتر رود، میزان سازگاری بیشتر می‌شود. در مرحله‌ی بعد اطلاعات موجود با استفاده از نرم افزار ۲۱ spss و با توجه به سطح سنجش در دو سطح توصیف و تحلیل پردازش شد. در این پژوهش، برای بررسی میزان ارتباط بین متغیرهای تحقیق از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱ - یافته‌های توصیفی

از مجموع ۳۲۷ زن، ۳۲/۴ درصد یک فرزند، ۳۹/۴ درصد دو فرزند، ۹/۲ درصد سه فرزند، ۱/۲ درصد چهار فرزند و تنها ۰/۳ درصد (یک نفر) هفت فرزند داشتند.

از نظر سن، ۱۰/۱ درصد کمتر از ۲۰ سال، ۱۴/۷ درصد بین ۲۱-۳۰ سال، ۵۱/۷ درصد بین ۳۱-۴۰ سال، ۲۰/۸ درصد بین ۴۱-۵۰ سال و ۱/۲ درصد بین ۵۱-۶۰ سال داشتند. از تعداد ۳۲۷ نفر پاسخ‌گو ۲/۱ درصد زیر دیپلم، ۱۱/۳ درصد دیپلم، ۸۶/۵ درصد مدرک بالاتر از دیپلم داشتند.

جدول ۱: فراوانی و درصد متغیرهای تعداد فرزند، سن و تحصیلات پاسخ‌گو

تعداد فرزند	فراوانی	درصد	سن	فراوانی	درصد	تحصیلات پاسخگو	فراوانی	درصد
۱	۱۰۶	۳۲/۴	کمتر از ۲۰ سال	۳۴	۱۰/۱	زیر دیپلم	۷	۲/۱
۲	۱۲۹	۳۹/۴	بین ۲۱-۳۰ سال	۴۹	۱۴/۷	دیپلم	۳۷	۱۱/۳
۳	۳۰	۹/۲	بین ۳۱-۴۰ سال	۱۷۰	۵۱/۷	بالاتر از دیپلم	۲۸۳	۸۶/۵
۴	۴	۱/۲	بین ۴۱-۵۰ سال	۶۹	۲۰/۸	-	-	-
۷	۱	۰/۳	۵۱-۶۰ سال	۵	۱/۲	-	-	-

از نظر وضعیت شغل همسر، ۵۹/۳ درصد شغل دولتی، ۳۰/۶ درصد شغل غیردولتی و ۱/۲ درصد بیکار بودند. به لحاظ تحصیلات همسر ۴/۳ درصد تحصیلات پایین‌تر از دیپلم، ۲۳/۹ درصد دیپلم و ۷۱/۶ درصد تحصیلات بالاتر از دیپلم داشتند.

جدول ۲: فراوانی و درصد متغیرهای وضعیت شغلی و تحصیلات همسران پاسخ‌گویان

شغل همسر	فراوانی	درصد	تحصیلات همسر	فراوانی	درصد
دولتی	۱۹۴	۵۹/۳	زیر دیپلم	۱۴	۴/۳
غیردولتی	۱۰۰	۳۰/۶	دیپلم	۷۸	۲۳/۹
بیکار	۴	۱/۲	بالاتر از دیپلم	۲۳۵	۷۱/۶

جدول شماره ۳ میانگین‌های مربوط به متغیرهای مستقل را نمایش می‌دهد، به‌طور متوسط با توجه به توزیع نمرات این متغیرها، مقادیر عشق‌ورزی گروه نمونه در کرانه‌ی بالای توزیع نمرات قرار دارد. این جدول همچنین میانگین متغیر وابسته (سازگاری زناشویی) را نشان می‌دهد، متوسط شاخص سازگاری زناشویی ۱۴۲/۴۹ است، در سطر آخر این جدول، اندازه‌های مربوط به انحراف استاندارد به عنوان یک شاخص معتبر پراکندگی بیانگر آن است که بیشترین مقدار تغییرپذیری مربوط به متغیر سازگاری زناشویی می‌باشد.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مستقل و متغیر وابسته و مقیاس‌های فرعی آن

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار
عشق رمانتیک	۳۲۷	۱۴/۸۰	۳/۶۰
عشق بازیگرانه	۳۲۷	۱۵/۱۵	۳/۰۷
عشق دوستانه	۳۲۷	۱۳/۱۳	۴/۲۲
عشق واقع‌گرایانه	۳۲۷	۱۴/۵۶	۳/۲۲
عشق شهوانی	۳۲۷	۱۴/۰۲	۲/۸۱
عشق فداکارانه	۳۲۷	۱۴/۲۰	۳/۵۳
رضایت دونفری	۳۲۷	۴۲/۷۷	۸/۹۳
همبستگی دونفری	۳۲۷	۱۷/۵۵	۶/۶۴
توافق دونفری	۳۲۷	۷۰/۷۳	۱۴/۵۸
ابراز محبت	۳۲۷	۱۱/۴۲	۲/۳۸
عشق‌ورزی	۳۲۷	۸۵/۸۸	۱۱/۸۳
سازگاری زناشویی	۳۲۷	۱۴۲/۴۹	۲۸/۷۴

نمره‌ی متغیر سازگاری زناشویی از طریق محاسبه‌ی جمع نمره‌های سؤال‌های مربوط به پرسش‌نامه‌ی سازگاری زناشویی اسپانیر حاصل شده است. از بین ۳۲۷ نفر آزمودنی بررسی شده، ۵/۵ درصد گزینه‌ی همیشه اختلاف داریم، ۱۰/۷ درصد گزینه‌ی تقریباً همیشه اختلاف داریم، ۲۲/۳ درصد گزینه‌ی اغلب اختلاف داریم، ۴۸/۹ درصد گزینه‌ی گاهی توافق داریم، ۱۲/۲ درصد گزینه‌ی تقریباً توافق داریم و ۰/۳ درصد گزینه‌ی توافق دائم داریم را به عنوان متغیر سازگاری زناشویی برگزیدند (جدول شماره ۴).

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصد مشاهده شده‌ی متغیر سازگاری زناشویی

سازگاری زناشویی	فراوانی	درصد
همیشه اختلاف داریم	۱۸	۵/۵
تقریباً همیشه اختلاف داریم	۳۵	۱۰/۷
اغلب اختلاف داریم	۷۳	۲۲/۳
گاهی توافق داریم	۱۶۰	۴۸/۹
تقریباً توافق داریم	۴۰	۱۲/۲
توافق دائم داریم	۱	۰/۳
جمع	۳۲۷	۱۰۰

۱۴۵

مطابق جدول شماره‌ی ۵ در بررسی روابط متغیرهای مورد مطالعه (عشق‌ورزی با سازگاری زناشویی) سطح معناداری کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد شده و ضرایب همبستگی نشان از رابطه‌ی مثبت و مستقیم بین متغیرها دارد؛ به طوری که با افزایش نمرات در متغیر عشق‌ورزی شاهد افزایش نمرات در متغیر سازگاری زناشویی هستیم. همچنین نتایج نشان داد، بین دو مؤلفه‌ی عشق شهوانی و واقع‌گرایانه با هریک از مؤلفه‌های سازگاری زناشویی رابطه‌ای وجود ندارد.

جدول ۵: ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های (عشق‌ورزی با سازگاری زناشویی)

مؤلفه‌های عشق‌ورزی	ضریب همبستگی	رضایت دونفری	همبستگی دونفری	توافق دونفری	ابراز محبت
عشق رمانتیک	ضریب پیرسون	۰/۶۸۱	۰/۵۸۲	۰/۷۵۰	۰/۶۹۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
عشق بازیگرانه	ضریب پیرسون	۰/۱۷۹	۰/۱۹۴	۰/۲۴۲	۰/۲۴۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
عشق دوستانه	ضریب پیرسون	۰/۴۳۲	۰/۴۱۱	۰/۴۸۴	۰/۴۷۹
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

مؤلفه‌های عشق‌ورزی	ضریب همبستگی	رضایت دونفری	همبستگی دونفری	توافق دونفری	ابراز محبت
عشق واقع‌گرایانه	ضریب پیرسون	۰/۰۱۱	۰/۰۱۸	۰/۰۹۵	۰/۰۶۸
	سطح معناداری	۰/۸۴۳	۰/۷۴۵	۰/۰۸۵	۰/۲۲۳
عشق شهوانی	ضریب پیرسون	۰/۰۳۷	۰/۰۷۱	۰/۰۴۱	۰/۰۶۰
	سطح معناداری	۰/۵۰۹	۰/۱۹۸	۰/۴۵۹	۰/۲۷۷
عشق فداکارانه	ضریب پیرسون	۰/۳۲۳	۰/۲۳۱	۰/۳۶۳	۰/۳۴۲
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

در جدول شماره ۶ رابطه‌ی متغیرهای زمینه‌ای با سازگاری زناشویی بررسی شد که شامل تحصیلات پاسخ‌گو، تعداد فرزند، سن، شغل و تحصیلات همسر است. در این بین، متغیر سن، شغل و تحصیلات همسر با عشق‌ورزی ارتباط معناداری دارند، اما از بین متغیرهای مورد آزمون تنها متغیرهای تعداد فرزند و تحصیلات همسر با سازگاری زناشویی ارتباط معناداری داشتند.

جدول ۶: آزمون‌های دو بعدی

متغیرها	عشق‌ورزی		سازگاری زناشویی	
	آماره‌ی دو	مقدار f	سطح معنی‌داری	مقدار f
تحصیلات	۵۵/۶	۸	۰/۵۸۶	۱۰
تعداد فرزند	۱۵/۶۵	۱۶	۰/۴۷۷	۲۰
سن	۳۳/۷۷	۱۶	۰/۰۰۸	۲۰
شغل همسر	۲۹/۴۲	۱۲	۰/۰۰۳	۱۵
تحصیلات همسر	۴۴/۷۳	۸	۰/۰۰۰	۱۰

جدول شماره ۷ نتایج تحلیل واریانس و رگرسیون سازگاری زناشویی با توجه به انواع مؤلفه‌های متغیر عشق‌ورزی را نمایش می‌دهد. با توجه به نسبت F به‌دست آمده - که در سطح بالاتر از ۹۵٪ معنی‌دار است - رگرسیون متغیر ملاک بر شش متغیر پیشین معنی‌دار است و احتمال اینکه نسبت F به‌دست آمده تصادفی حاصل شده باشد، کمتر از ۰/۰۵ است. با توجه به این جدول و مقدار R2 به‌دست آمده به عنوان ضریب همبستگی چند متغیری می‌توان گفت، حدود ۶۵ درصد واریانس متغیر سازگاری زناشویی از ترکیب خطی شش متغیر پیش‌بینی‌کننده یعنی عشق‌ورزی (رمانتیک، بازیگرانه، دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی و فداکارانه) به‌دست آمده است.

در نتیجه، فرضیه‌ی پژوهش تأیید شد. یعنی از طریق عشق‌ورزی (رمانتیک، بازیگرانه، دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی و فداکارانه) می‌توان متغیر سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کرد. همچنین با مقایسه‌ی ضرایب همبستگی هریک از متغیرهای عشق‌ورزی (رمانتیک، بازیگرانه، دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی و فداکارانه) به طور جداگانه با سازگاری زناشویی و ضریب همبستگی چند متغیری به‌دست آمده (R) می‌توان گفت، متغیرهای پیش‌بین پژوهش کنونی به طور ترکیبی و توأم، واریانس بیشتری از سازگاری زناشویی را تبیین می‌کنند. با توجه به خروجی حاصل از تحلیل رگرسیون مؤلفه‌های متغیر پیش‌بین عشق‌ورزی (رمانتیک، بازیگرانه، دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی و فداکارانه) پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر ملاک سازگاری زناشویی اند و مقدار نسبت F محاسبه شده که معادل ۹۸/۶۵ است این رابطه‌ی معنی‌دار را در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ تأیید می‌کند، در نتیجه، فرضیه‌ی پژوهش که بیانگر امکان پیش‌بینی متغیر سازگاری زناشویی توسط مؤلفه‌های متغیر عشق‌ورزی با بیش از ۹۹ درصد اطمینان است، تأیید می‌شود. از سوی دیگر، در پاسخ به این سؤال پژوهش که چند درصد از واریانس متغیر سازگاری زناشویی توسط شش مؤلفه‌ی متغیر عشق‌ورزی تفسیر می‌شود، می‌توان گفت، حدود ۶۵ درصد تغییرات نمرات سازگاری زناشویی توسط این شش مؤلفه توجیه می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت، پیش‌بینی نمرات سازگاری زناشویی به‌وسیله‌ی مؤلفه‌های متغیر عشق‌ورزی امکان‌پذیر است.

جدول ۷: تحلیل واریانس و رگرسیون ضریب همبستگی چند متغیری (R) و مجذور آن (R²)

منابع	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری	R	R ²
رگرسیون	۱۷۴۸۴۴/۷۵۹	۶	۲۹۱۴۰/۷۹۳				
باقی‌مانده	۹۴۵۲۲/۷۳۵	۳۲۰	۲۹۵/۳۸۴	۹۸/۶۵۴	۰/۰۰۰	۰/۸۰۶	۰/۶۴۹
کل	۲۶۹۳۶۷/۴۹۴	۳۲۶	-				

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه، بررسی رابطه‌ی سبک‌های عشق‌ورزی زوجین با سازگاری زناشویی است. نتایج نشان داد، بین عشق‌ورزی و سازگاری زناشویی همبستگی وجود دارد که بیانگر رابطه‌ی مثبت و مستقیم است. این رابطه بدین معنی است که با افزایش میزان عشق‌ورزی میزان سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد. این نتایج با یافته‌های مطالعات اسپرچر که می‌گویند عشق برای ازدواج امری لازم و ضروری است و ماس و اسکوبل که عقیده دارند عشق نقش کاربردی در لذت بردن و رضایت از زندگی و سازگاری زناشویی دارد، هماهنگ است. همچنین حفاظتی طبقه و همکاران و حاجلو و همکاران و فرحبخش و شفیع‌آبادی در پژوهش‌های خود نشان دادند، وجود عشق میزان رضایتمندی بین زوجین را افزایش می‌دهد. رفیعی‌نیا و اصغری نیز از اهمیت نقش عشق رفاقتی در برخی از مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی زوجین حمایت کردند.

نتایج این پژوهش نشان داد، حدود ۶۵ درصد واریانس متغیر سازگاری زناشویی با عشق‌ورزی (عشق رمانتیک، عشق بازیگرانه، عشق دوستانه، عشق واقع‌گرایانه، عشق شهوانی، عشق فداکارانه) به‌دست آمده است. در نتیجه، این فرضیه‌ی پژوهش تأیید می‌شود یعنی از طریق عشق‌ورزی می‌توان متغیر سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کرد. همچنین با مقایسه‌ی ضرایب همبستگی هر یک از متغیرهای عشق‌ورزی (عشق رمانتیک، عشق بازیگرانه، عشق دوستانه، عشق واقع‌گرایانه، عشق شهوانی، عشق فداکارانه) به‌طور جداگانه با سازگاری زناشویی و ضریب همبستگی چندمتغیری به‌دست آمده می‌توان گفت، متغیرهای پیش‌بین پژوهش کنونی به‌طور ترکیبی و توأم، واریانس بیشتری از سازگاری زناشویی را تبیین می‌کنند. در بررسی رابطه‌ی متغیرهای زمینه‌ای با سازگاری زناشویی، بین متغیرهای تعداد فرزند و تحصیلات همسر با سازگاری زناشویی ارتباط معناداری وجود داشت.

موضوع مهم این است که خانواده سنگ بنای جامعه است و در استحکام روابط اجتماعی و رشد اعضای جامعه نقش مهمی دارد. تلاش برای استحکام خانواده و استوارسازی روابط درون این سیستم زمینه را برای سلامت اخلاقی و سعادت عمومی فراهم می‌کند. خانواده عامل جامعه‌پذیری و انتقال‌دهنده‌ی اصول اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی از نسلی به نسل دیگر و عامل نظارت و کنترل رفتار اعضای خود است. خانواده می‌تواند در پرورش توانایی‌ها و استعدادها بالقوه‌ی افراد از طریق مراقبت‌های دوران کودکی، نوجوانی و جوانی اثر بگذارد و در برقراری نظم و انضباط در جامعه سهم عمده‌ای داشته باشد. آنچه در ازدواج مهم است، سازگاری زناشویی و رضایت از ازدواج است (دارابی و همکاران، ۱۳۹۳). در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، متغیر عشق‌ورزی متغیری قوی

است که سهم بسزایی در میزان کاهش تعارضات و افزایش سازگاری زناشویی دارد. در صورت بروز ناسازگاری زناشویی، برای تأمین نیازهای مختلف زوجین وضعیت نامساعدی ایجاد می‌شود؛ این وضعیت اثرات منفی و حتی جبران‌ناپذیر به‌جا خواهد گذاشت و افراد مبتلا به تنش‌ها و فشارهای روانی می‌شوند. این وضعیت، کل خانواده و فرزندان را هم درگیر می‌کند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود، برای افزایش سازگاری زناشویی در زوجین، مهارت‌های زندگی و نحوه‌ی عشق‌ورزی به همسر از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی یا مراکز مشاوره به صورت فردی و گروهی به زوجین آموزش داده شود تا میزان تعارضات و درگیری‌ها در زندگی مشترکشان کاهش یابد و از روند روبه رشد آمار طلاق در کشور جلوگیری شود. از آنجاکه این پژوهش روی زنان شاغل انجام شد، مردان بایستی به متغیر عشق‌ورزی توجه ویژه‌ای داشته باشند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهگشای مطالعات جدید درباره‌ی سازگاری زناشویی باشد. همچنین بهتر است این بررسی روی سایر گروه‌های زنان مانند زنان خانه‌دار نیز انجام شود.

منابع

- ۱۴۹
- ◀ بینوا، محمد، (۱۳۹۳). رابطه بین عشق قبل از ازدواج زوجین با سازگاری و رضایت زناشویی، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، به راهنمایی دکتر حسن بنی‌اسدی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کرمان، دانشگاه شهیدباهنر).
- ◀ حاجلو، نادر، جابر علیزاده گورادل؛ محمدرضا قطبی و سیما دلاور قوام، (۱۳۹۳). «مقایسه ابعاد عشق‌ورزی بر اساس مدت ازدواج در بین زنان و مردان متأهل»، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال ۱، ش ۱۲.
- ◀ حفاظی طریقه، میترا، علی فیروزآبادی و حسن حق‌شناس، (۱۳۸۵). «بررسی ارتباط بین اجزاء عشق و رضایتمندی زوجی»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، سال ۱۶، ش ۵۴.
- ◀ دارابی، سعداله، مجید کاظمی اصل و محمد حسین مسعودی، (۱۳۹۳). «اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری زناشویی»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال ۱، ش ۲.
- ◀ درویش‌زاده، سارا و غلامرضا پاشا، (۱۳۸۹). «بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر قصه عشق دانشجویان»، یافته‌های نو در روانشناسی، سال ۵، ش ۱۴.
- ◀ رفیعی‌نیا، پروین و آرزو اصغری، (۱۳۸۶). «رابطه بین انواع عشق و بهزیستی در دانشجویان متأهل»، خانواده پژوهی، سال ۳، ش ۹.
- ◀ صدق‌آمیز، خدیجه (۱۳۷۶). بررسی عوامل موثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز (پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی حبیب احمدی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز).
- ◀ ساروخانی، باقر، (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.

◀ سیف‌علیان، سیاره، (۱۳۹۰). بررسی سازگاری/ناسازگاری زناشویی اساتید دانشگاه‌های شهر سمنان و عوامل مؤثر بر آن، (پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی پروانه دانش، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه پیام نور، استان تهران).

◀ عبداللهی، اصغر، احدی، حسن، تاجری، بیوک و کبری حاج‌علیزاده، (۱۳۹۹). «تجربه‌ی طالق از منظر زوجین مطلقه در شهر تهران (در پنج سال اول زندگی)»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۳، ش ۸۹.

◀ علمی، محمود و کریم یزدانی، (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی در بین معلمان متأهل مدارس راهنمایی شهر مرنند»، مطالعات جامعه‌شناسی، سال ۲، ش ۸.

◀ فرحبخش، کیومرث و عبدالله شفیع‌آبادی، (۱۳۸۵). «ابعاد عشق‌ورزی براساس نظریه‌ی سه بعدی عشق در چهار گروه زوج‌های در مرحله‌ی نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند»، دانش و پژوهش در روانشناسی، ش ۳۰.

◀ گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی حسن چاووشیان، تهران: نشر نی.

◀ مسموعی، راضیه، (۱۳۹۰). رابطه سخت‌رویی روان‌شناختی با سازگاری زناشویی دیران متوسطه شهر شیراز، (پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی لادن معین، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت).

◀ معین، لادن، پروین غیاثی و راضیه مسموعی، (۱۳۹۰). «رابطه سخت‌رویی روان‌شناختی با سازگاری زناشویی»، جامعه‌شناسی زنان، سال ۲، ش ۴.

◀ یوسفی، ناصر، کیومرث بشلیده، امید عیسی‌نژاد، عذرا اعتمادی و ناصر شیربیگی، (۱۳۹۰). «رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و کیفیت زناشویی در میان افراد متأهل»، مشاوره کاربردی، سال ۱، ش ۱.

► Coombs, Robert H, (1991). "Marital Status and Personal Well-Being: A Literature Review", *Family Relations*, Jan 1.

► Moss, Barry F & Andrew I. "Schwebel, (1993). Defining Intimacy in Romantic Relationships", *Family Relations*, Jun41.

► Spanier, Graham B, (1976). "Measuring Dyadic Adjustment: New Scales for Assessing the Quality of Marriage and Similar Dyads", *Journal of Marriage and The Family*, 38.

► White, LJ, (1997). *Why Marriage Matters Strengthening Marriage Round Table*, Washington DC.